

# واکنش به نقد بيانيه اعليحضرت در مورد كوباني

## خيانت!! محمد رضا شاه پهلوي

اميرفيض- حقوقدان

برخلاف انتظار، تحرير نقد بيانيه اعليحضرت در مورد كوباني که در همين هفته قبل انتشاريافت و عمل کردهای جدائی طلب عراق در تشبیه (کسی که بامادر خود زنا کند باديگران چه ها کند) پياده شد و در توضیح مطلب آمد:

حُضْرِبِ الْمَثَلِ بِالْأَمَلِ كَامِلًا فِي رَابِطَةٍ بِأَكْرَادِ عِرَاقٍ مُصَدِّقٍ دَارِدٍ. أَنَّهُمَا بَدَسَابِقَهُ تَرِينِ أَقْوَامٍ دَرْتَجْزِيَةِ كِشُورِ خُودِشَانِ وَبَدِ نَامِ تَرِينِ كَسَانِي هَسْتَنْدِ كِه بَه اسْتَقْبَالِ آمَرِيكََا دَر حَمْلَه بَه خَاكِ كِشُورِشَانِ شَتَا فْتَنْدِ وَ اِيْنِ عِبَارَتِ بَسِيَار زَنْدَه كِرْدَهَايِ عِرَاقِ اسْتِ كِه خُطَابِ بَه نِظَامِيَانِ آمَرِيكََا كُفْتَنْدِ حَمَا شَلُورَانِشَانِ رَا كُرُو مِيگِيرِيْمِ كِه نَتَوَانَنْدِ اَز كِرْدِ سْتَانِ عِرَاقِ بَرُونْدِ ><sup>۱</sup>

تحریر مراتب بالا، بریک ایرانی تبعه کشور آلمان، بسیار تنگ و ناگوار آمد و بطرفداری از کردهای جدائی طلب عراقی برخاست و جانبداری و دفاعی که از مراتب لازمه دفاع و ادعا است مانند سند و شاهد غیره بکلی تهی و برعکس از منیت و نظر شخصی با پشتوانه سقلمه و توهین ایشان شکل گرفته است بصورت مکتوب روانه آگاهی عمومی شد.

ایشان (که در این تحریر مدعی<sup>۲</sup> نامیده خواهد شد) مصرانه ابراز عقیده و اعتقاد میکند که سالها در میان کردهای بارزانی در غرب ایران حضور فعال داشته و آنها را ایرانیانی وطن پرست و خواهان یکپارچگی ایران میداند و مدعی است که ملامصطفی بارزانی صریحا اعلام کرد حیین کردان و سرزمین مادری هرگز نباید جدائی باشد و ما اعلام میداریم هر جا در عراق وجه در سوریه وجه در ترکیه کرد هستند انجا جزئی از ایران است <

**حاشیه =** خواننده محترم این تحریر، نقل قول از بارزانی را دو باره بخوانید به بینید اصلا معنی دارد و اینکه تمامی سرزمین هائی که کردها در ترکیه و سوریه و عراق ساکن هستند خاک ایران است چیزی است که کسی بگوید و اگر هم بگوید آن اعتبار را دارد که یک ایرانی مقیم آلمان به این عبارت بی بها و ساختگی تمسک کند؟ این از کیسه خلیفه بخشیدن ها آنها از خاک کشورهای دیگر چیزی است که کسی ولو با عقل کم به آن استناد کند و آنرا جدی بگیرد؟ چقدر کم لطفی است که مدعی از آن ادعای موهوم در سازمان ملل متحد برای ادعای ایران به مالکیت سرزمین های ترک نشین در ترکیه و سوریه و عراق استفاده نکرده! و «آزیر» کشان ترکیه و عراق و سوریه رابه تسلیم اظهارات ساختگی بارزانی مجبور نساخته است!

<sup>۱</sup> - <http://1400years.org/AmirFeyz/NaghdeBayaniyehRPKordHayeKubani-AmirFeyz-15Nov2014.pdf>

<sup>۲</sup> <http://1400years.org/AmirFeyz/LayehEtehamiKuroshKaviani-AmirFeyz-27Mar2013.pdf>

چقدر سادگی می‌خواهد که کسی به چنین عبارت آشفته بی معنای و بی مستندی استناد کند و بیشتر چقدر خامی و ساده لوحی است که اظهارات و اقدامات فرزندان مصطفی بارزانی که امروز حاکم کردستان عراق هستند و سخت در مقام استقلال کردستان عراق می‌باشند نادیده و هیچ بگیرد و به نقل قول ساخته و پرداخته کسی که حدود ۳۰ سال قبل فوت کرده آویزان شود. (پایان حاشیه)

مدعی نتیجه گرفته است که «اگر خیانت محمد رضاشاه نسبت به کردها نبود و اگر باصدام نساخته بود و کردها مورد معامله بده و بستان (قرارداد الجزایر) و بصدام حسین نفروخته بود اکنون وضعیت کردان در جایگاه دیگری قرار داشت»

**ناگفته نماند که عبارت «اکنون وضعیت کردان در جایگاه دیگری قرار داشت» در ادعای ایشان به معنای این است که اگر خیانت محمد رضا شاه نبود کردهای عراقی و سوری و ترکیه و ایران بصورت یک کشور مستقل درآمده بود.**

زهی حیرت از این مدعی که به اقدام شاه برای حفظ وحدت سرزمینی ایران و ترکیه و سوریه و عراق عنوان خیانت داده است.

## واما بعد

هنگامیکه نامه ایشان را خواندم نسبت به نظر ایشان راجع به کردهای بارزانی نیاز به توجه خاصی ندیدم زیرا ادعای بدون دلیل و یا دلیل ذلیل، چیزی نیست که لایق بحث و نقد باشد ولی ادعای اینکه حل اختلاف بین عراق و ایران نسبت به اروند رود (قرارداد الجزایر ۱۹۷۵) که سایه یک جنگ خونین بین ایران و عراق و احتمالا مشارکت همسایگان را فراهم میساخت به عنوان خیانت محمد رضاشاه معرفی کردن از آن چیزهایی است که نمیتوان در مقابل غرض حقیقت ساکت ماند و اعتنایی به این اتهام عجیب و بی روا و بی سابقه روا نداشت.

ابتدا پیش خودگفتم ممکن است جمهوری اسلامی و مخالفین قسم خورده محمد رضاشاه آریامهر، موافقتنامه الجزایر که با بصیرت و موقع شناسی و احساس میهن پرستی شاهنشاه به امضای صدام رسید و موجب حیرت جهانیان شد و حقوق حقه ایران در جایگاه رسمی و حقی خود قرار گرفت، در ردیف خیانت‌های محمد رضا شاه از سوی آنان گنجانیده شده باشد و «مدعی» به آن نوشته‌ها و خبرها تمسک جسته باشد.

بدین لحاظ به کتاب خیانت‌ها و جنایات دوران پهلوی اثر حمید از انتشارات جمهوری اسلامی رجوع کردم و سایت‌های مربوطه را هم نگاه کردم در سایت (خیانت‌های محمد رضا شاه پهلوی) مواردی که از سوی جمهوری اسلامی و محققین مزد بگیران، بعنوان خیانت شاه شناسایی و احصاء شده اینهاست

\*- وابستگی اقتصادی و نظامی ایران به آمریکا \*- خرید اسلحه از آمریکا بمقدار زیاد \*- مصونیت قضائی به آمریکائیا \*- عدم رعایت سنت‌های مذهبی و دینی \*- گسترش بی عفتی و آزادی مجالس غیراسلامی \*- روابط با اسرائیل.

اين تحريروارد اين بحث پيوسته نميشود که آيا موارد اعلام شده خيانت بوده ويانيست بلکه ميخواهد گفته باشد که محققين جيره خوار دشمنان سلطت ايران باهمه تبخرو تشنگي که براي يافت مواردی از خيانت که منتسب به شاه داشته و دارند، کوچکترين اشاره ای به موافقتنامه الجزاير که خيانت شناخته شود، ندارند، ولی مدعی آلمان نشين دارد.

شايد بی ميل نباشيد که بدانيد جمهوری اسلامی و عوامل آن نسبت به اقدامات مثبت و خدمات آن شاهنشاه چه رفتاری را پيشه دارند؛ آنها ميگویند: >هرچند ما وجود برخی اقدامات مثبت و خدمات آن دوران در بخشهای مختلف را انکار نمیکنیم بلکه ميگوئیم آن اقدامات برای مردم نبود و برای حاکمیت بود.< (جای خنده)

ديدید که جمهوری اسلامی اقداماتی مانند قرارداد الجزاير را نه تنها خيانت نمیداند بلکه اقدامات مثبت هم میداند.

ولی اين مدعی تبعه آلمان که میهمان احمدی نژاد هم بوده است، قرارداد الجزاير را خدمت که نمیداند هیچ متاسفانه خيانت هم میداند.

**چقدر جای تاسف و خود آزاری دارد که قلیلی از جمله آن مدعی ایرانی تبعه آلمان فرق بين خيانت و خدمت را نمیداند اگر هم میداند عقده های بزرگ دشمنی با شاهنشاهی ايران مجال تفکرو انصاف را به او نداده است.**

موضوع، در ردیفی نیست که اهمیت و دستاورد های بزرگ موافقتنامه الجزاير را مطرح کند تا آن مدعی شرمنده شود؛ که نخواهد شد، فقط کافی است به صحبت رفسنجانی استناد شود که گفت جنگ عراق و ايران قرار بود در زمان شاه سر ارون رود انجام بشود که نشد و به عهده ما افتاد. یعنی جنگی را که سیاست جهانی در تدارک آن بين عراق و ايران شاهنشاهی بود با بصیرت سیاسی شاه متوقف و خطر جنگ هشت ساله از سر ايران دور شد. اين عمل تاریخی بينظر که حافظ جان و مال مردم و کشور بود، خيانت است؟ ای مدعی که ادعای آدمیت داری؟

در یکی از سخنان شاهنشاه ايران اين جمله در مصاحبه ای از ایشان است که **ملت ايران** **واقدرن** خوانده اند، تصور میکنم ادعای آن مدعی که شاه را بمناسبت قرارداد الجزاير خائن و خيانت کار خوانده شاهی است بر اصالت بيان شاهنشاه آریامهر.

### علامت بيعت با جمهوری اسلامی

آنچه عرض شد یک روی معلوم قضیه است و روی پنهان آن استفاده از علامت بيعت و یا تجدید بيعت با جمهوری اسلامی است. توضیح اینکه اسناد آرشیو نشان میدهد کسانی که به مخالفت با جمهوری اسلامی نظاير میکنند و یا در مدتی هم در صف مخالفين جمهوری اسلامی قرار داشته اند و یا مدتی کار سیاسی نمیکنند و بیم از آن دارند که جمهوری اسلامی در بيعت آنها به جمهوری اسلامی شک کند از علامت >شاه

**خانن** در اظهارات ويا نوشته هایشان استفاده میکنند تا در گروه بيعت کنندگان جمهوری اسلامی قرار گیرند و باقی بمانند و به اصطلاح (بيعت را تازه کنند).

از آنجا که بيعت، تشریفاتى دارد که انجام آن برای ایرانیان خارج از کشور ممکن نیست لذا اتهام خیانت و یا جنایت به شاهنشاه ایران بصورت یک علامت قراردادی بین بیعت کنندگان با جمهوری اسلامی شناخته شده است.

### **شمولیت این بیعت**

تاسف، این است که اسناد نشان میدهد که بیشتر ایرانیان مقیم آلمان اولین گروهی بوده اند که پس از شورش ۵۷ در مریدی و وفاداری به شاهنشاه ایران پیشقدم و باقی ماندند (مریدی از قسم مقتدائی).

یکی از وظائف مشخص مرید مقتدائی، دفاع از حیثیت و اقدامات مراد است چراکه نوع مریدی، مقتدائی است نه احساسی و یا تکلفی و شرعی و به عبارت دیگر دفاع از اقدامات مراد، دفاع از عقاید و اراده خود مرید تلقی میشود.

در این قاعده که مختصری از تقریرات مفصل است، این ضابطه نهفته است که سکوت مرید در مقابل تهاجم به مراد (در تطبیق مورد خیانت کارخواندن شاه) تائید مرید مقتدائی و نوعی قرار گرفتن زیر سقف عدول از بیعت با مرید (شاهنشاه) تلقی میگردد.

تاسف غیرقابل تحمل اینجاست؛ همانطور که افتخار مریدی و وفاداری و بقای آن، بنام ایرانیان مقیم آلمان ثبت و ضبط است اکنون عدول از مریدی با علامت و الصاق فعل خیانت به شاهنشاه هم ممکن است بنام آنان ثبت شود. آینده و واکنشهای موقعیت ایرانیان مقیم آلمان را روشن خواهد کرد که این ننگ را پذیرفته اند یا بوظیفه مریدی و اعتقاد خود از مرادشان دفاع خواهند کرد.